

به مناسبت:

اولاً سالروز وفات شادروان پوهاند دکتور سید هاشم صاعد

مرحوم دکتور سید هاشم صاعد یک سال قبل از امروز به تاریخ 9 فبروری 2013 بعد از یک مریضی طولانی و بعد از یک عمر جهد و تلاش و مبارزه برای آبادی و آزادی میهن به سن 85 سالگی جهان فانی را وداع گفته و به جاودانگی پیوست و در عالی از اندوه و ستایش دور از خاک وطن به خاک سپرده شد. از شخصیت والا و خدمات ارزشمند و مبارزات آزادیخواهانه وی سخن ها رفت و از دامنه های هندوکش تا قاره های امریکا، اروپا و استرلیا مجالسی در تجلیل از شخصیت و مقام وی برگزار گردید و همه از نبود وی در جامعه سیاسی، فرهنگی و علمی کشور اظهار تأسف و اندوه نمودند. به مناسبت اولاً سالروز وفات آن مبارز ملی و شخصیت علمی، فرهنگی و سیاسی کشور خلاصه از نامه ها و مقالات و تسلیت نامه ها و سخنرانی های دوستان و هموطنان عزیز را که هر یک به نوعی تاثر و اندوه شانرا از این ضایعه جبران ناپذیر اظهار داشته اند نقل می نمائیم.

استاد صاعد از عمق جامعه خود بر خاسته بود و با نزاکت ها و رموز و ارزشهای فرهنگ جامعه خویش آگاهی کامل داشت. وی از همان آوان جوانی با اندیشه تحول طلبانه و آزادی خواهانه پا به عرصه سیاست و مبارزه گذاشت. عشق و علاقه فروان وی به مسائل سیاسی و اجتماعی وی را بر آن واداشت تا فاکولته طب را ترک نموده شامل فاکولته حقوق و علوم سیاسی گردد و با این آرزو توانست در زمره

استادان نیک نام و حقوقدانان شناخته شده کشور مدافع حقوق قشر نادار و فرودین جامعه گردد . وی از همان نوجوانی ها تشنه آموزش و فراگیری بود ، با شخصیت های پاک دل و پاک دامن و آزادیخواه نشست و برخاست داشت . چنانچه خود می نویسد که : « . . . هر کجا اسمی از انسان شریف و دانا می شنیدیم بیدرنگ به سراغش میرفتیم تا مگر از مزرعه ای تجربه و دانش شان خوشه بر چینیم . در برخورد با هم اوضاع بود که نویسنده در کنار بعضی دوستان دوره مدرسه خود ، دوستان ارزشمند دیگری یافتیم که تعداد از آنها تا سالیان زیاد در صف شخصیت های ملی و ترقیخواه جامعه قرار داشتند . »

شادروان پروفسور صاعد در طول جنگ مقاومت ملی علیه اشغالگران شوروی سابق و رژیم کودتا به انواع مختلف به فعالیت و مبارزه پرداخت . ازجبهه آزادی خواهان در دانشگاه کابل تا تشکیل سازمان آزادیبخش ملی افغانستان (ساما) و جبهه متحد ملی و فعالیت های فرهنگی با مرکز اطلاعات افغان در پشاور پاکستان و فعالیت منحیث مشاور در اتحادیه سمت شمال در پشاور و نمایندگی جبهه متحد ملی در اروپا و سفر در کشور های مختلف دنیا جهت معرفی مقاومت مردم افغانستان ، فعالیت در کمیته حقوق بشر ، تدریس مبادی حقوق در اکادمی برای افغانها در آلمان و همکاری های تنگاتنگ وی با شورای دموکراسی در آلمان و بعدا در کشور کانادا و غیره همه نمونه ای از فعالیت ها و کار نامه های بدون مزد و پاداش وی در طول جنگ مقاومت ملی می باشد .

با پخش خبر وفات پوهاند صاعد پیام های مملو از تاثر و اندوه و مملو از افتخار و تمجید از شخصیت و مقام آن مبارز ملی و آزادی خواه سرازیر گردید . در این تجلیل از

اولاً سالروز وفات آن خدمتگار وطن بهتر دانستیم از زبان هموطنان و دوستان و یاران مرحوم صاعد بشنویم که مقام و جایگاه او را گرامی داشته اند .

همان روز یعنی به تاریخ نهم فبروری هیئت تحریریه وب سایت «گفتان» دموکراسی برای افغانستان واکنش نشان داده چند نداشت :

« با تاسف اطلاع حاصل یافتیم که داکتر سید هاشم صاعد یکی از استادان پیشین نامدار دانشکده حقوق دانشگاه کابل و از شخصیت های ملی و مبارز کشور امروز نهم فبروری 2013 در شهر مونترئال کانادا پدرو حیات گفت . استاد صاعد شخصیت دموکرات و ملی بود که بعد از کودتای ننکین ثور 1357 و تجاوز شوروی سابق مجبور به ترک کشور و مهاجرت شد . داکتر صاعد در راه دفاع از استقلال افغانستان و دموکراسی قربانی های بزرگ را متقبل شد و هرگز حاضر نشد به هیچ تجاوز گر و رژیم مستبدی تسلیم شود . خاطره داکتر صاعد در راه تاسیس و پیشبرد اتحادیه های استادان دانشگاه های افغانستان فراموش ناشدنی است . تلاشهای داکتر صاعد در سمت و سو دهی جنبش مقاومت ملی ضد تجاوز شوروی فصل پر افتخار زندگی او را تشکیل میدهد که او شاهد شهادت برادر و فرزندش بوده است .

جناب محترم عادل از دامنه های هندوکش با این عنوان تاثر شانرا ابراز داشتند که :

« مرگ دور از وطن صاعد درد دیگریست برای مادر وطن »

ایشان بعد از لطف و قدردانی فراوان در حق آن مرحوم نوشته شانرا چند پی گرفتند : « همه دوستان و علاقه مندان از محبت تفکر و اندیشه استاد گرانقدر داکتر صاعد محروم شدند و از اینکه دیگر وی را نمی بینند تا نوع رابطه شان تداوم یابد متأثر و اندوهناک هستند . ولی درد و رنجی که مادر وطن از ضایعه فرزند فرزانه اش چون صاعد می کشد بسیار عمیق و توانفرسا ، جبران ناپذیر و قابل تاسف است . چه زیبا می بود که اگر آغوش مادر وطن آلوده از تجاوز و ارتجاع نمی بود و تحمل تفکر و نظرات صاعد را کرده می توانست که وی با عشق بزرگش در آغوش مادرش نفس می کشید ، عرق می ریخت ، تلاش و تکاپو میکرد ، می خندید ، می گریست تا سعی اش برای تغییر و دگرگونی جا پیدا میکرد . با کمال تاسف که چون بیشتر از سه دهه است که مادر وطن درد تجاوز و

اشغال می کشد و اجباراً نتوانست که صاعد و صاعد ها را در آغوش اش نگهداشته تا هر دوی شان از حضور همدیگر لذت می بردند .

. . . عقابان مغرور و بلند پرواز قله های هندوکش و بابا به سوی آفاقی که شهباز اندیشه صاعد بر بلندی ان در صعود بود و صدایش در آن دوردست های نهایت دور منعکس می شد ، در پرواز اند . در این رهنوردی و کوهنوردی صاعد با ماست ، با ما زندگی میکند ، با ما سرورد آزادگی فریاد می زند ، با ما درد می کشد ، با ما در اوج سختی ها و ره گمی ها و توفان ابر های سیاه ، برای در آغوش کشیده آفتاب بال می زند»

بلی این بزرگترین پیام و بزرگترین تجلیل از مقام یک مبارز واقعی از سرزمینش و از دامنه های هندوکش است که آنها هنوز صاعد را با خود دارند و صاعد هنوز هم با آنها و برای آنها بال می زند

جنابان هر یک معلم عبدالرسول و نیلاب به یاد و بود از شخصیت آن مرحوم چند نوشتند : « . . . استاد صاعد مزید بر خدمت علمی و دانشگاهی برای اولاد وطن ، از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز کارنامه های درخشان مبارزاتی دارد . این مبارز استوار در مبارزه با استبداد نظام های سرکوبگر و ضد مردمی اربابان استعمارگر آن در راستای تأمین آزادی ، حاکمیت ملی و حاکمیت ستمدیدگان هیمش استوارانه ایستاد ، قربانی داد و تا آخر به آن ارزشها و ایدآلهای عالی و شریفانه خود وفا دار ماند . استاد صاعد به مدد و در پرتو دانش عمیق و فراگیر سیاسی و حقوقی و تجارب مبارزاتی اش ، شناخت عمیقی از استعمار و ایادی آن و شعار های فریبگر آن داشت . استاد نگرش تاریخی ، تکاملی و آینده نگر به قضایای اجتماعی داشت . در بستر بیماری نیز طی سالهای اخیر حیاتش ، وطن اشغال شده و حالت ابتر و نا به سامان مردم جفا دیده کشورش و راه علاج این مشاگل ، مشغله ذهنی استاد را می ساخت . مسلم است که در یک چنین موقعیتی ، در گذشت شخصیتی استوار علمی ، مبارز مردمی ، و وطن دوستی مثل استاد بزرگوار دکتر صاعد ، برای مردم ، خانواده و دوستان وی ضایعه پنداشته می شود . . . »

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما - ادامه دهندگان » با شنیدن خبر درگذشت استاد صاعد هم واکنش فوری نشان داده مطالبی را بیاد و بود و تجلیل از مقام وی در سایت رزمندگان منتشر نمود و بعد از شرح مختصر سوانح و کارکرد های وی چند نوشت :

«...دکتور صاعد در دوران شکست و فتور مبارزات دموکراتیک و در دوران استبداد جمهوری داوود خانی در کنار سایر پیشتاژان جنبش برای سازماندهی دوباره آن تلاشهای بیدریغ کرد . پس از کودتای ننگین هفت ثور 1357 ش ، این تلاشها شدت و سرعت بیشتر یافت و سر انجام جمعی از بهترین و آگاه ترین فرزندان دانشمند ، مبارز ، وطن پرست و خوشنام کشور ما از سر تا سر میهن ستونهای توانای ایجاد ستاد رزمنده و جانبازی گشتند که نام پر افتخار «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان » (ساما) را بر آن نهادند . پوهاند دکتور سید هاشم صاعد یکی از این ستونهای استوار و بنیاد گذار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) است که در مرگش سامانی ها عمیقاً سوگووار هستند .

«...پوهاند داکتر صاعد با سایر رهبران «ساما» به رهبری مجید بزرگ در ایجاد جبهه متحد ملی و گسترش و انکشاف ملی و بین المللی آن تلاشهای خستگی ناپذیر کرد ...»

« پوهاند داکتر سید هاشم صاعد در کنار اینکه یک دانشمند متبحر و حقوق دان و سیاستمدار بلند پایه و یک مبارز و رهبر خردمند بود ، نویسنده توانمند و شاعر خوش قریحه ای نیز بود . از زنده نام استاد صاعد آثار گرانبهائی حقوقی به جا مانده و اثر ماندگارش تحت عنوان « درنگی بر برخی دریافتها و رویداد های افغانستان در قرن بیستم » از آثار گرانسنگ سیاسی . تاریخی در جامعه ما به حساب می آید . پوهاند دکتور سید هاشم صاعد دانشمند متبحر ، شاعر و نویسنده توانمند ، وطن پرست مبارز و یکی از بنیاد گذاران و رهبران خردمند «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» (ساما) و جبهه متحد ملی افغانستان در دیار غربت جان داد و ما را که ادامه دهندگان راه رهبران و بنیان گذاران ساما هستیم ، عمیقاً اندوهگین و سوگووار ساخت»

پایداری و استواری شادروان دکتور صاعد بر اندیشه و ایدال هایش بر همگان هویداست و همگان بر این نکته تأکید نموده اند چنانچه در جائی می خوانیم که : « استاد صاعد هیچگاه به اورنگ نشینان باج و خراج پرداخت ». جناب آقای ساعی فاریابی هم لطف نموده در هم^۱ رابطه و با این عنوان «بیاد بود مرد آهنین و مبارز صادق مرحوم شادروان داکتر صاعد» نوشته اند که : « به یاد و بود مرد بزرگی می نویسم که تا آخر عمر در راه تحقق دموکراسی عدالت و روشن ضمیری دست و پایش نلرزید و به دولتمردان جابر، ستم پیشه گان و جنایت کاران تسلیم نشد و با نیرنگ های سیاسی و شرایط بس دشوار روزگار و با شهادت فرزند فرهیخته و تحصیل کرده و برادر دانشمند و مبارز و دها همسنگران با اندیشه تغییر موقف و جهت نکرد و در مقابل ستم پیشگان و ستمگران زمان با اندیشه پاک آزادی و حق طلبی مبارزه کرد ...»

دوست و برادر بزرگوار جناب علی مشرف با وجود تکلیف صحی در مراسم خاک سپاری آن مرحوم از راه دور حضور به هم رسانیدند و در پورتال افغانستان آزاد هم چند^۲ نگاشتند : « . . . این که شنیدن چنان خبری ذهنم را تا کجا ها عقب کشیده از اولین آشنائی با آن انسان رزمنده مگر متواضع ، بردبار و خردمند گرفته تا آخرین دیدار ما در منزل همشیره اش . . . همه را جلو چشمانم مجسم ساخت . نفس شنیدن مرگ آن انسان متواضع ، اولین نکته ای را که به مثابه یک وظیفه مقابلم قرار داد ، شرکت در تشییع جنازه^۳ آ ل رزمنده خاموش و بی مدعا بود . شرکت در مراسم خاکسپاری در مورد فردی چون زنده یاد پوهاند داکتر صاعد ، برای افرادی چون این قلم که بس چیز ها از ایشان آموخته ام ، به مثابه آخرین وداع با یکی از رهبران جنبش انقلابی کشور و یکی از مؤسسان «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» به حیث یک وجیبه مطرح است . . . »

بدین ترتیب جناب مشرف با جناب توخی و جناب بشیر نبی در خاکسپاری آن زرمنده خاموش شرکت نموده و در غربت با آن دوست وداع نمودند .

کبود مرحوم صاعد یک ضایعه بزرگی است در جامعه که هنوز درد ها و زخم هایش به مداوا ضرورت دارد کشوری که در آن هنوز بی عدالتی، ظلم و استبداد، فقر و نا برابری و سیاست های ارتجاعی گلیم فرسوده اش را از دامن ناتوان آن دیار نبسته است و هنوز به چند شخصیت های صادق نیاز مبرم دارد. جناب محترم میر عبدالرحیم عزیز لطف نموده و بر این نکته تاکید فرموده و نگاشته اند:

« . . . این حادثه جانگاہ نه تنها برای خانواده آن زنده یاد، بلکه برای کلیه جوامع افغانی در داخل و خارج کشور یک ضایعه جبران ناپذیر تلقی میگردد. جایگاه آن مبارز نستوه برای همیشه خالی خواهد بود. پوهاند دکتور سید هاشم صاعد اولین دانشمند در ساحه حقوق کاروکارگر در افغانستان بود و در راه احیای حقوق کارگر محروم افغانستان تلاش های بی نظیری نمود. در راه آزادی میهن، ترس جبن و سازش را به دور افگند و برای خود شهامت و برای فامیل و همسنگرانیش افتخار دائمی کسب نمود. . . . »

بلی این افتخار نصیب همه شخصیت های با درد، وطن پرست، آزادیخواه و ضد استعماری و ضد استبدادی و آنانی گردیده که هنوز صاعد و دیگر صاعد ها را با خود دارند و مردانه و یک دنده از آزادی از دموکراسی و عدالت اجتماعی در مقابل ظلم، استبداد و استعمار به دفاع بر می خیزند.

محترم نجیب ثاقب هم شعری را تحت عنوان «پیام رزم» نثار آن مبارز آزاده نموده و نگاشته اند که: «تقدیم به پوهاند دکتور سید هاشم صاعد استاد مهربان، انسان فرهیخته، مبارز وطن دوست، اندیشمند مردمی و پدر و برادر داغ دیده سر زمین مظلوم افغانستان».

پیمان رزم

امتداد ظلمت

از هر سو

کوه های سرکش

و دشت های آزاد را

می گویند .

شاهان

دلالت

و ملاکان

بر رنج و طاقت و مزد و کار

توده های رعیت

فرمان می رانند ،

و از خاک زمین های سخت

. تهیدستان .

سکه های طلا

ضرب می زنند .

مادامیکه واژه زیبای آزادی

در حلقه دار

فریاد می کشید ،

آرمانهای بزرگ انسانی

در قربانگاه ذبح می شد .

سال های پر درد

در غبار دور گونه

تجارب خویش

و جنگ نابرابر

می گذشت .

آدمیان هراسان

آدمیان مهاجر

و آدمیانی چون

تندیس های برفی در گرمای خشونت

آب می شدند .

شگفتا

دانش آموزان جهد و

مدرسین دادگر را

که

چون صاعدان بر شکوه آزادی

با کوله باری از

دیوان

و قلم و کتاب

پیمان رزم و ایثار بستند .

با عاصیان و عیاران

کوهنورد

که :

طلسم ظلمت شب سیاه را

با مشعل خرد ،

اندیشه های بارور حقیقت

و دشمنه و شورش

باید شکست

و بس .

کبود یک چنـد ء شخصیتی که با کوله باری از دیوان و قلم و کتاب پیمان رزم بسته بود و برای سرزمینش و مردمش تپید و رزمید و بالاخره دور از دامن وطن و در دیار غربت جان داد برای همه درد آور است چنانچه جناب آزاد ل می نگارند : « خبر به جاودانگی پیوستن مبارز دلیر و با شهامت و مردمی کشور پوهاند دکتور سید هاشم صاعد را با کمال تأثر و اندوه فراوان خواندم و پنهانی اشکی هم ریختم چون هنوز مردم و کشور ما به موجودیت چنین شخصیت و همچو اشخاص نیاز شدید و مبرم دارد . به شخصیت گرمی شان هزاران درود فرستاده یادش گرمی باد ...»

تجلیل از مقام استاد صاعد با این کلمات بیانگر آنست که آن مرحوم در طول زندگی پر بار مبارزاتی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی اش با صداقت و شجاعت گام نهاده و در عمل ثابت نموده و نشان دهنده آن است که در راهی که او و یاران و همسنگران شهید وی قدم گذاشته اند آن راه ادامه خواهد یافت و نقش گام های متـه ء ایشان جستجو خواهد شد .

محترم همایون ساحل شعری را برای تجلیل از مقام آن آزاده سروده و بر این نکته چن ٔ تأکید فرموده اند : « بیاد رادمرد استوار، اندیشمند گرانمایه و استاد عالیقدر دکتور سید هاشم صاعد که چون کوه بر اندیشه و ایدآل های شکوهمندش پایدار ماند و یک عمر در راه تحقق آن ایدآل های بهی خواهانه برای مردم ستمدیده کشورش رزمید . یادش گرمی باد !

صاعد

تو درد بیقرار باران را

که از سینه پر خروش اقیانوس

بر خاسته بود

بر فراز دره ها و کوهپایه

کاشتی

در رمز شب

تا سبز شود ، بهار .

خورشید

در آسمان صاف افکارت

صاعد وار

طلوع میکرد

فردا را

در طلایم ذهن شب .

من ما و همه یاران

هنوز

در آئینه پر نور چشمانت

پایان این شب منحوس را فریاد می کشیم

و نقش گام های متین ترا

در میان صخره ها و خارها می جوئیم

تا مرز وارستگی انسان

در فردای رهیدگی ،

گام می زنیم

استوار.

20 فبروری 2013

مرحوم پوهاند دکتور سید هاشم صاعد استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی و یکی از حقوق دانان سر شناس و سابقه دار کشور بودند و اولاً شخصیت علمی و حقوقدان کشور در ساحه حقوق کار و کارگر به حساب می آیند . به مناسبت وفات آن شخصیت بزرگ علمی کشور انجمن حقوق دانان افغان در اروپا نیز ابراز تأثر نموده چند نداشت :

« انجمن حقوق دانان افغان در اروپا به مناسبت وفات المناک دکتور سید هاشم صاعد حقوقدان سابقه دار و استاد سابق فاکولته حقوق و علوم سیاسی کابل مراتب عمیق تأثر و تالم خویش را به فامیل دوستان و هم مسلمان آن مرحوم تقدیم داشته و روح شان را قرین رحمت ایزدی می خواهد . . .

«

هموطن محترم جناب عارف عزیز که افتخار شاگردی مرحوم صاعد را در فاکولته حقوق داشته و مسؤول انجمن فرهنگ افغانستان در شهر لیموژ می باشند و خدمات ارزشمند فرهنگی را برای هموطنانش در خارج از کشور انجام داده اند در هم راستا می نگارند که:

« از وفات مبارز بزرگ و فرهیخته و شخصیت فرزانه کشور ، گرانقدر بزرگوار پوهاند دکتور سید هاشم صاعد با خبر گشته و تاثر شدیدم را باعث شد . وفات چنین شخصیت هائی ضایعه درد آورiest برای مادر وطن ما افغانستان....»

برنامه چهره های آشنا از تلویزیون نور نیز از مقام و شخصیت آن مرحوم تجلیل به عمل آورد که بنده ضمن تشکر از قدردانی و زحمات متصدی برنامه چهره های آشنا محترم عابد مدنی ، گوشه ای از سخنان دو مھمان عالی قدر این برنامه محترمان هر یک جناب استاد واصف باختری شاعر بلند پایه و قافله سالار شعر و ادب معاصر افغانستان و سیاستمدار و دانشمند شناخته شده کشور جناب محترم داکتر رسول رحیم را در ذیل می آورم . استاد بزرگوار جناب واصف باختری که اولاً سخنگوی و صاعد شناس آن برنامه بودند با سخنان نغز و عالی شان گوشه ای از زندگی علمی و ادبی آن زنده نام را روشن نموده چند فرمودند :

« استاد صاعد در فاکولته حقوق به تدریس مباحث گوناگون حقوقی و تشریح بخش های گوناگون علم سیاست می پرداختند . ایشان چند سالی در همان فاکولته به تدریس منطق صوری و منطق وضعی نیز می پرداخته اند . استاد صاعد به استادان متبحر این رشته مرحومان استاد بیتاب ، مولانا غلام نبی کاموی ، و مولانا کریم حقانی رجوع کرده و مبحث دشوار منطق صوری را با جزئیات آن در حافظه توانای خویش سپردند . در منطق جدید نیز بحث هائی داشتند با میر محمد صدیق فرهنگ و موسیو گریوار استاد در لیسه استقلال . استادصاعد یکی از علاقه مندان جدی مباحث جامعه شناسی نیز بودند . ایشان در کنار شادروانان امین میرزا افندی ، پروفیسور محمد اصغر ،

و بیش به سر نوشت جامعه و تحصیلات عالی اندیشیده اند، نمی توانند نام شادروان دکتور سید هاشم صاعد و دو استاد نامدار فاکولته حقوق و علوم سیاسی افغانستان یعنی جناب مرحوم استاد فضل الربی پژواک و جناب داکتر محمد حیدر را فراموش نمایند. این سه استاد نامدار پیوسته برای معرفی و نهادینه ساختن اهدافی در دانشگاه های افغانستان مبارزه کرده اند که مؤسسات تحصیلات عالی تا هنوز به حل آن و گاهی هم به شناسائی آن توفیق نیافته اند. شهامت و استقامت استاد مرحوم در مبارزه علیه تجاوز شوروی در حریم کشور عزیز ما افغانستان مانند آفتاب روشن است. همچنان در این گفتار مختصر به این نکته اشارت میکنم برخی از وجوه شخصیتی جناب مرحوم دکتور صاعد به حیث یک انسان اکادمیک و در مفهوم جهان شمولتر آن یک روشنفکر می باشد. دو وجه شاخص زندگی حرفوی جناب محترم دکتور صاعد به حیث استاد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی عبارت اند از نخست برخورد استاد به رشته اختصاصی شان یعنی حقوق کار و کارگر و دوم تلاش های خستگی ناپذیر شان در محیط تدریسی و اداری دانشگاه های افغانستان می باشد.

جناب دکتور رسول رحیم بعد از بررسی مختصر فعالیت های حرفوی مرحوم صاعد در نساجی افغان و بلدیة کابل و منحیث اسیستانت رشته جامعه شناسی در فاکولته حقوق به این موضوع اشارت فرمودند: « در سال 1963 سازمان بین المللی کار و کارگر یک هیئت از کارشناسانش را به کابل می فرستد تا برای تعدیل و انطباق دادن قانون کاروکارگر افغانستان با معیارات جهانروی این سازمان همکاری کند. سازمان بین المللی کاروکارگر با فراهم ساختن یک بورس تحصیلی دکتورا برای یک تن از استادان فاکولته حقوق دانشگاه کابل، تا افغانستان بتواند در این زمینه به سطوح عالی تخصصی و کارشناسی دسترسی یابد. علاقه مندی شخصی مرحوم داکتر صاعد به این رشته، تجربه اندوزی شان در نساجی افغان و بلدیة کابل و تدریس در بخش جامعه شناسی ایشانرا نامزد مناسب این بورسیه گردانید. . . . »

در محفلی که در وانکوور کانادا برای گرامیداشت از شخصیت و مقام شادروان استاد صاعد برگزار گردیده بود دوستان و علاقه مندان زیادی جمع شده بودند آقایان هر یک جناب تاتا از دوستان سابق استاد صاعد، آقای شیر ازیر و آقای انجیر اکرم آذرخش مطالبی را به خوانش گرفتند و از شخصیت والا، اخلاق نیکو و مین دوستی وی

سخن گفتند . آقای آذرخش گفتی هایش را با این عنوان آغازید : « سترگ مردی از تبار آزادگان و پاک اندیشان با کوله بار رنج و غم در شانه توانمندش به جاودانگی پیوست »
محترم انجینر محمد ابراهیم ره^۱ و فریده جان صاعد گرداننده اصلی این گردهمائی بودند.
در پهلوی دیگر سخنوران محترم ره^۲ این مطالب را به خوانش گرفتند:

« استاد صاعد مرد آزاد منش و آزاد اندیشی بود که عمر پر بارش را به آزادی خواهی و حق طلبی سپری نمود . استاد صاعد شخصیت اکادمیک و تخصصی بود و با آنچه آموخته بود بیگانه نشد و همیشه پر تلاش در پی آن بود تا گام های عملی برای تحقق آرمانهای آزادی خواهی و دموکراتیک بردارد و حتی به گفته شاگردانش کلاس های درسی وی جایگاه و محل گفتمان بحث های داغ و پذیرش دگراندیشی و رشد افکار بوده است . داکتر صاعد معتقد بود که با کار جمعی بهتر می توان به آزادی رسید و علیه بی عدالتی های اجتماعی مبارزه کرد . داکتر صاعد رزمنده نستوه ، خاموش و بی مدعا ، فروتن متواضع و فقیر مشرب بود که مقام های بلند دولتی را نپذیرفت تا بتواند دیدگاه های مستقل ملی و دموکراتیک را انعکاس بدهد . کتاب ها مقالات و شعر های وی گواه و شاهد گویائی بر این مطلب است . . . »

آقای ام^۳ سیاب از شخصیت علمی و مبارزات چند دهه اخیر شادروان دکتور صاعد یاد آوری نموده نوشتند که : « . . . توشه علمی ، پیشنهاد سیاسی و برخورد صمیمی استاد سید هاشم صاعد خاطرات فراموش ناشدنی اند که از ایشان به جا مانده است »

در همایشی هم که هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان «هجاما» در شهر اسن آلمان بر گزار نموده بود در جمله دیگر سخنگویان آقای نسیم رهرو مطالبی را ابراز نمودند . ایشان سخنان شانرا با خواندن چند جمله از کتاب پر ارزش آن مرحوم صاعد تحت «عنوان درنگی بر برخی درفتها و رویداد های افغانستان در قرن بیستم» آغازیده و ضمن یاد آوری از موقعیت و جایگاه آن مرحوم در سازمان آزادیبخش مردم افغانستان چند^۴ فرمودند :

« . . . خدمات مرحوم داکتر صاعد به صفت یک شخصیت اکادمیک و علمی در حوزه دانش و فرهنگ ، سزاوار ارجگذاری فراوان می باشد . آنچه مربوط به مبارزات سیاسی داکتر صاعد می شود در بر گیرنده سه دوره است :

1. فعالیتهای او قبل از کودتای ثور (اتحادیه استادان و دیگر فعالیت ها)

2. فعالیت های وی در تشکیلات سازمان ساما

3. تلاشها و زحمات او در چوکات جبهه متحد ملی (که عمدتا در خارج از کشور انجام داد)

همچنان آقای رهرو ضمن یاد آوری موضوعات دیگر چن اظهار داشتند :

« . . . اگر من ادعا کنم که هوس منصب ، پول و قدرت نکرده ام ، خیلی هم جالب نیست ، زیرا من چانس کمتری برای بدست آوردن این چیز ها داشته ام ، نه دانشمند هستم نه شاعر نه نویسنده نه آدم صاحب رسوخ و نه مشر قوم . اما اگر زنده یاد داکتر سید هاشم صاعد این ادعا را میکرد ، هزاران بار سزاوار تحسین و تمجید است ، زیرا او هم دانشمند بود و هم سیاستمدار و هم آدم شناخته شده و دارای امکانات فراوان ملی و بین المللی و او می توانست از این شناخت ها و زمینه ها استفاده کند و خود را به مقامی برساند ، اما اینکار را نکرد ، به قول و قرار هایش وفادار ماند و ایستاده مرد . استاد صاعد انسانی بود با دانش ، کم ادعا ، آرام ، فروتن ، صمیمی و درویش صفت . به هیچ آستانی سجده نکرد . تا واپسین دم حیات به آزادی و آرمانهای ملی و انقلابی اش پایبندی نشان داد. دنبال قدرت ، پول و چوکی و منصب نرفت و درویشانه زندگی کرد . به تمامی روشنفکران ملی و مترقی و انقلابی ارج و احترام قایل بود . از توطئه گری و پشت سر گوئی بیزار بود و از انشعاب طلبی و فرکسیون بازی خود را دور نگهداشت . . . »

آقای انجینر عزیز رک هم بر هم نکته اشاره فرموده اند . ایشان ضمن موضوعات دیگر می نگارند که :

« . . . داکتر صاعد را یکی از بنیاد گذاران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) و جبهه متحد ملی بشمار میاورند . وی با شهید مجید کلکانی و انجینر نادر علی دهاتی روابط نزدیک و تنگاتنگی داشت . شهید مجید چه شخصیت ها و چه ظرفیت هائی را با چه درایتی در دایره ساما جمع نموده

بود . داکتر صاعد از سال 1983 تا سال 1990 به حیث نماینده جبهه متحد ملی افغانستان در اروپا ایفای وظیفه نمود . در این دوره که مبارزه علیه اشغالگران روسی گرم بود ، او در تمام طول مبارزات خارج کشوری این دوره به حیث یک دانشمند صادق ، ملی و دموکرات در تمام اشکال مبارزه منجمله در کنفرانس های بین المللی از موضع مردم افغانستان علیه اشغالگران به افشاگری و مبارزه پرداخته است . دکتور صاعد بعد از به پایان رساندن رسالت ملی خویش در رابطه به مبارزه علیه روسها ، به کانادا میرود و بقیه عمر خود را به مبارزه و نوشتن در غربت کانادا سپری می نماید . . «

بلی زندگی فراز و نشیب هائی دارد و لحظه هائی پر از شادی و یاس و زندگی شادروان صاعد بیشتر با درد ها ، تعقیبها و مشکلاتی که دولتها برای او ایجاد میکردند و مشکلات اقتصادی که ناشی از انتهای تقوی و پاک نفسی وی می باشد ، همراه بود از دست دادن فرزند و برادر و یاران نزدیک و بالاخره دوری از زادگاه و بستر بیماری درد های دیگریست که هر انسان را از پا می اندازد ولی هیچ یک از این دشواری ها و رنج های بیشمار دکتور صاعد را از راه و رسالت ملی اش بدور نساخت قسمی که هوطنان عزیز در این راستا فرموده اند که:

« هرگز حاضر نشد به هیچ تجاوز گر و رژیم مستبدی تسلیم شود» (گفتمان) و یا : « . . . در راستای تأمین آزادی ،حاکمیت ملی و حاکمیت ستمدیدگان همیش استوارانه وفادار ماند» (محترم جناب معلم عبدالرسول وجناب نیلاب) و یا : « . . . دست و پایش نلرزید و به دولتمردان جابر ، ستم پیشه گان و جنایت کاران تسلیم نشد» (آقای ساعی فایابی)

و یا : « استاد صاعد مرد آزاد منش و آزاد اندیشی بود که عمر پربارش را به آزادی خواهی و حق طلبی سپری نمود» (انجینر ابراهیم رهین)

و یا : « استاد صاعد به قول و قرار هایش وفا دار ماند و ایستاده مرد» (آقای نسیم رهرو)

و هئیت محترم گفتمان دموکراسی برای افغانستان نوشت : « . . . داکتر صاعد تا توان در بدن داشت با قدم و قلم در راه بهروزی مردم کشورش تلاش کرد . بیماری طولانی توش توان وی را تضعیف کرد

با آن هم از هر گونه امکان ارتباط گیری خودداری نمی کرد و با زبان بی زبانی تعهدش را به شرافت سرزمین افغانستان و مردمش اظهار میداشت . مرگ داکتر صاعد برای جامعه روشنفکری افغانستان یک ضایعه جبران ناپذیر است. »

بلی همه این دشواریها و قربانی ها قامت استوار او را خم نتوانست ، ولی بیماری طولانی تاب و توان وی را کاسته رفت ولی باز هم صاعد آهی نکشید و بر این بیماری نیز مانند مشکلات و دشواری های فراوان دیروز لبخند زد .

وی حتی در هنگام بیماری و افتادگی و هنگامی که پر و بالش شکسته بود باز هم دوستان و یارانش را فراموش نکرد و ندا برآورد که :

صاحب‌دلان بگوی که «صاعد» مبر زیاد

من پر شکسته ام تو خود را به من رسان

ویا ندا بدآورد که :

دستم بگیر و زود به خاک وطن رسان

افسرده را به سیر گل و یاسمن رسان

ولی دریغا و اسفا که این آرزو برآورده نشد و داکتر صاعد در عالم غریب و دور از دامن وطن جهان فانی را وداع گفت و به جاودانگی پیوست .

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

روحش شاد و یادش گرامی باد

ولید صاعد

فبروری 2014